

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 3, Spring 2022, 187-204
Doi: 10.30465/CRTLS.2022.38659.2394

The Correction of Two Verses from Shahnameh

Jalal Khaleqi Motlagh

Ali Soleimani *

Mohammad Foladi **

Abstract

Many lexicographers, commentators and correctors of Shahnameh have considered the words "Junagh" and "Junna" as one word and have used them instead of each other; However, paying attention to the contextual context, in-text cues, and a comprehensive look at the verses in which these two words appear, indicate that in Shahnameh these two words are not one word but are two words with two different meanings. Although the main purpose of this study is to correct verses from the scientific-critical correction of Jalal Khaleghi Motlagh, the authors, referring to other corrections of Shahnameh such as: Moscow, Jules Moll, ancient letter and Azizullah Jovini Shahnameh, tried to show and eliminate the errors in these corrections. Through this study, it was concluded that the words "Jenagh" and "Jana" have the ability to associate with the words "Leopard (Palang)" and "Choob e Khadang", respectively, and not paying attention to the different meanings of these two words, their companion capacity and avoiding relying on the Florence version, Khaleghi Motlagh did not follow the right path in correcting two verses in which these two words appear. In this research, in addition to correcting those two verses, the problems found in other corrections of Shahnameh were also pointed out. Also,

* PhD in Persian Language and Literature, Qom University, Qom, Iran (Corresponding Author),
dr_ali_soleimani@yahoo.com

** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Qom University, Qom, Iran,
dr.mfoladi@gmail.com

Date received: 27-10-2021, Date of acceptance: 24-04-2022



in line with the discussion, a verse of Barzunameh of Shamsuddin Mohammad Kosaj was corrected.

Keywords: Junagh, Juna, Correction, Verses, Shahnameh Ferdowsi, Khaleqi Motlagh, Borzunameh.

تصحیح دو بیت از شاهنامه جلال خالقی مطلق

علی سلیمانی*

محمد فولادی**

چکیده

بسیاری از فرهنگ‌نویسان، شارحان، و مصححان شاهنامه واژه‌های «جناغ» و «جنا» را یک واژه تلقی کرده و از آن‌ها به جای یک‌دیگر استفاده کرده‌اند. حال آن‌که توجه به بافت موقعیتی، نشانه‌های درون‌متنی، و نگاهی جامع بر ابیاتی که این دو واژه در آن‌ها آمده است مشخص می‌کند که در شاهنامه فردوسی، این دو واژه یکی نیستند، بلکه دو واژه با دو معنای متفاوت‌اند. هدف اصلی این پژوهش تصحیح ابیاتی از شاهنامه به تصحیح علمی - انتقادی جلال خالقی مطلق است. هم‌چنین، نویسندگان با بررسی تصحیح‌های دیگر شاهنامه کوشیده‌اند تا اغلاط راه‌یافته به آن‌ها را نیز نمایان و رفع سازند. از رهرو این پژوهش نتیجه حاصل شد که واژه‌های «جناغ» و «جنا» به ترتیب قابلیت هم‌نشینی با واژه‌های «پلنگ» و «خدنگ» را دارند و عدم دقت به معنای متفاوت این دو واژه، بی‌توجهی به ظرفیت هم‌نشینی آن‌ها، و پرهیز از تکیه‌کردن بر نسخه فلورانس باعث شده که خالقی مطلق در تصحیح دو بیت از شاهنامه که این دو واژه در آن آمده، به طریق صواب نرود. در این پژوهش علاوه بر تصحیح آن دو بیت به اشتباهات راه‌یافته در تصحیح‌های دیگر شاهنامه نیز اشاره شده است. هم‌چنین، به فراخور بحث بیتی از بزرونامه شمس‌الدین محمد کوسج نیز تصحیح شد.

کلیدواژه‌ها: جناغ، جنا، تصحیح ابیات، شاهنامه فردوسی، خالقی مطلق، بزرونامه.

* دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)، dr_ali_soleimani@yahoo.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم، قم، ایران، dr.mfoladi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۴



۱. مقدمه

از آن‌جاکه بسیاری از شاهنامه‌پژوهان واژه «جنا» را ریخت کوتاه‌شده واژه «جناغ» می‌دانند، همان معنایی را که برای واژه «جناغ» ذکر می‌کنند، به واژه «جنا» نیز نسبت می‌دهند. یک‌سان‌پنداشتن معنای این دو واژه باعث شده است مصححان شاهنامه گاه آن‌ها را با واژه «خدنگ» و گاه با واژه «پلنگ» ترکیب و در متن اصلی وارد کنند. حال آن‌که «جنا» ریخت کوتاه‌شده واژه «جناغ» نیست و این دو واژه با دو معنای متفاوت در شاهنامه هستند؛ «جناغ» دراصل پوششی زربافت و نرم است که به‌هنگام استراحت و خالی‌ازسواربودن اسب، آن را بر روی پیکر اسب می‌گشودند. این پوشش زربافت تشریفاتی تنها به افراد و صاحبان مقام و شکوه لشکری و کشوری اختصاص داشته است و افراد عام از داشتن آن بی‌بهره بوده‌اند. «جنا» نیز در شاهنامه به معنای قوس کمانی شکل پیش‌زین است که از چوب خدنگ ساخته می‌شده است و تنها بزرگان و نام‌داران از زین جنادار استفاده می‌کرده‌اند (بنگرید به سلیمانی و فولادی ۱۳۹۷: ۱۲۱-۱۲۲). با آشکارشدن تفاوت معنایی این دو واژه در ترکیب و هم‌نشینی آن‌ها نیز تفاوت‌هایی پیش خواهد آمد و از نظر معنایی نمی‌توانند هر واژه‌ای را در کنار خود پذیرا باشند. مصححان شاهنامه به‌دلیل یک‌سان‌پنداشتن دو واژه «جناغ» و «جنا» و بی‌توجه‌به تفاوت معنایی و قدرت هم‌نشینی آن‌ها در تصحیح‌های خود از شاهنامه این دو واژه را به‌جای هم به‌کار برده‌اند و آن‌ها را با کلماتی هم‌نشین کرده‌اند، در صورتی‌که تفاوت معنایی و محدودیت هم‌نشینی مانع از آن است که این واژگان با هر کلمه‌ای ترکیب و هم‌نشین شوند. نگارندگان این مقاله، که به‌روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، با در نظر داشتن معنای متفاوت این دو واژه، دقت به قدرت و ظرفیت ترکیب و هم‌نشینی آن‌ها، و توجه به ضبط نسخه اقدم شاهنامه، یعنی دست‌نویس فلورانس، که جلال خالقی مطلق در تصحیح ابیاتی آن را اساس قرار نداده و کنار گذاشته است، تمامی ابیاتی را که واژه‌های «جناغ» و «جنا» در آن‌ها آمده بررسی کرده‌اند و نخست، به درستی یا نادرستی تصحیح شاهنامه خالقی مطلق پرداخته‌اند. سپس، دیگر تصحیح‌های شاهنامه را ارزیابی کرده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، از آن‌جاکه تصحیح علمی-انتقادی جلال خالقی مطلق امروزه متأخرترین تصحیح شاهنامه و موردقبول اکثر ادیبان و شاهنامه‌پژوهان است، نویسندگان در این پژوهش این نسخه را اساس نقد و بررسی قرار داده‌اند، اما برای نشان‌دادن اختلافات موجود درباب این موضوع، به ضبط‌های دیگر سایر تصحیح‌های شاهنامه هم‌چون چاپ مسکو، ژول مول، نامه باستان‌کزازی، و

شاهنامه عزیزالله جوینی اشاره می‌شود تا با تصحیح ابیاتی از شاهنامه خالقی مطلق، دیگر تصحیح‌ها نیز نقد و بررسی گردند و اغلاط تصحیح‌های شاهنامه رفع شود. هم‌چنین، در این مقاله به‌فراخور بحث بیتی از برزنامه شمس‌الدین محمد کوسج نیز تصحیح شده است که درستی معنایی که پژوهش‌گران برای دو واژه جناغ و جنا یافته‌اند و محدودیت هم‌نشینی این دو واژه با دیگر واژگان را تأیید می‌کند.

۱.۱. پیشینه پژوهش

طبق جست‌وجوی نگارندگان در لغت‌نامه‌های زبان فارسی، فرهنگ‌های تخصصی، و شرح شاهنامه، توضیحاتی مختصر درباره معنای واژه‌های جناغ و جنا آمده است. در مقاله «نگاهی معنایی بر دو واژه جُنَاغ و جُنَا در شاهنامه» که تا به امروز مفصل‌ترین پژوهش درباره این دو واژه است، علی سلیمانی و محمد فولادی براساس بافت موقعیتی، نشانه‌های درون‌متنی، و نگاهی جامع بر ابیات شاهنامه نشان داده‌اند که برخلاف نظر رایج، این دو واژه یک واژه نیستند و معنای متفاوت دارند. در مقاله یادشده هیچ اشاره‌ای به تصحیح این دو واژه در ابیات شاهنامه نشده است. لذا، تاکنون پژوهشی با موضوع تصحیح ابیات شاهنامه که دو واژه جناغ و جنا در آن آمده باشد، انجام نشده و این مقاله در نوع خود بکر و جدید است و پیشینه‌ای ندارد.

۲. واژه جُنَاغ و جُنَا در شاهنامه

طبق جست‌وجوی نگارندگان در شاهنامه خالقی مطلق واژه «جُنَاغ» سه مرتبه و واژه «جُنَا» شش مرتبه تکرار شده است. در ادامه، این ابیات شاهنامه را به‌ترتیب از تصحیح خالقی مطلق، مسکو، و ژول مول آورده‌ایم. سپس، آن‌ها را با نامه باستان میرجلال‌الدین کزازی و در نهایت با شاهنامه عزیزالله جوینی تطبیق می‌دهیم تا هم اشتراکات و افتراقات این چند تصحیح شاهنامه در ضبط این دو واژه نمایان گردد، هم بتوانیم به نقد و بررسی آن‌ها بپردازیم. این ابیات عبارت‌اند از:

۱. در گفتار اندر رفتن اسکندر به چین:

چو برزد سر از کوه روشن چراغ بردند بالای زرین جُنَاغ^۱

(خالقی مطلق ۱۳۶۶: ج ۶، ۱۰۶).

چو برزد سر از کوه رخشان چراغ ببردند بالای زرین جُناغ
(مسکو ۱۳۷۵: ج ۷، ۹۲).

چو برزد سر از کوه، روشن چراغ ببردند بالای زرین جُناغ
(ژول مول ۱۳۷۵: ج ۳، ۱۴۳۷).

چو برزد سر از کوه روشن چراغ ببردند بالای زرین جُناغ
(کزازی ۱۳۹۰: ج ۷، ۷۷).

۲. در گفتار اندر لشکرکشیدن نوشین روان به جنگ خاقان چین:

چو برزد سر از کوه رخشان چراغ^۲ زمین شد به کردار زرین جُناغ^۲
(خالقی مطلق ۱۳۶۶: ج ۷، ۲۴۶).

چو برزد سر از کوه رخشان چراغ زمین شد به کردار زرین جُناغ
(مسکو ۱۳۷۵: ج ۸، ۱۶۴).

چو برزد سر از کوه رخشان چراغ زمین شد به کردار زرین جُناغ
(ژول مول ۱۳۷۵: ج ۳، ۱۸۲۹).

چو برزد سر از کوه رخشان چراغ زمین شد به کردار زرین جُناغ
(کزازی ۱۳۹۰: ج ۸، ۱۱۸).

۳. در گفتار اندر سبب خراب کردن خسرو شهر ری را:

همی تاخت چون کودکی گرد باغ فروهشته از باره زرین جُناغ
(خالقی مطلق ۱۳۶۶: ج ۸، ۲۳۸).

همی تاخت چون کودکی گرد باغ فروهشته از باره زرین جُناغ
(مسکو ۱۳۷۵: ج ۹، ۱۹۳).

همی تاخت چون کودکی گرد باغ فروهشته از اسپ، زرین جُناغ
(ژول مول ۱۳۷۵: ج ۴، ۲۱۵۹).

همی تاخت چون کودکی گرد باغ فروهشته از باره زرین جُناغ
(کزازی ۱۳۹۰: ج ۹، ۱۴۳).

تصحیح دو بیت از شاهنامه جلال خالقی مطلق (علی سلیمانی و محمد فولادی) ۱۹۳

۴. در داستان سیاوخش:

- | | |
|------------------------------|--|
| ز دیبا و اسپان به زینِ پلنگ | به زرین‌ستام و جُنای خدنگ ^۲ ، |
| (خالقی مطلق ۱۳۶۶: ج ۲، ۳۱۷). | |
| ز دیبا و اسپان به زینِ پلنگ | به زرین‌ستام و جُنای خدنگ |
| (مسکو ۱۳۷۵: ج ۳، ۱۱۴). | |
| ز دینار و اسپان به زین خدنگ | به زرین‌ستام و جُنای پلنگ |
| (زول مول ۱۳۷۵: ج ۱، ۴۶۴). | |
| ز دیبا و اسپان به زین پلنگ | به زرین‌ستام و جُنای خدنگ |
| (کزازی ۱۳۹۰: ج ۳، ۸۰). | |
| ز دینار و اسپان به زین پلنگ | به زرین‌ستام و جُنای خدنگ |
| (جوینی ۱۳۹۱: ج ۴، ۴۶۰). | |

۵. در داستان سیاوخش:

- | | |
|------------------------------|-------------------------------------|
| نگه کرد بهزاد، کی را بدید | یکی باد سرد از جگر برکشید |
| بدید آن نشست سیاوش پلنگ | رکیب دراز و جُنای ^۴ خدنگ |
| (خالقی مطلق ۱۳۶۶: ج ۲، ۴۲۷). | |
| بدید آن نشست سیاوش پلنگ | رکیب دراز و جُنای خدنگ |
| (مسکو ۱۳۷۵: ج ۳، ۲۱۰). | |
| بدید آن نشست سیاوش پلنگ | رکاب دراز و جُنای خدنگ |
| (زول مول ۱۳۷۵: ج ۱، ۵۳۴). | |
| بدید آن نشست سیاوش پلنگ | رکیب دراز و جُنای خدنگ |
| (کزازی ۱۳۹۰: ج ۳، ۱۳۸). | |
| بدید آن نشست سیاوش پلنگ | رکیب دراز و جُنای خدنگ |
| (جوینی ۱۳۹۱: ج ۵، ۳۲۰). | |

۶. در داستان رستم و آکوان دیو:

- | | |
|----------------------------|--|
| ز زین کیانیش بگشاد تنگ | به بالین نهاد آن جُنای ^۵ خدنگ |
| چراگاه رخس آمد و جای خواب | نمدزین بیفگنند بر پیش آب |
| | (خالقی مطلق ۱۳۶۶: ج ۳، ۲۹۲). |
| ز زین کیانیش بگشاد تنگ | به بالین نهاد آن جُنای خدنگ |
| | (مسکو ۱۳۷۵: ج ۴، ۳۰۴). |
| ز زین از برِ رخس بگشاد تنگ | به بالین نهاد آن جُنای پلنگ |
| | (زول مول ۱۳۷۵: ج ۲، ۷۷۷). |
| ز زین کیانیش بگشاد تنگ | به بالین نهاد آن جُنای خدنگ |
| | (کزازی ۱۳۹۰: ج ۴، ۱۹۶). |
| ز زین کیانیش بگشاد تنگ | بیالین نهاد آن جنای خدنگ |
| | (جوینی ۱۳۹۱: ج ۶، ۶۶۸). |

۷. در داستان بیژن و منیژه:

- | | |
|-----------------------------|---------------------------------------|
| گران‌مایه اسپان به زین خدنگ | نشاندۀ گهر در جُنای ^۶ پلنگ |
| | (خالقی مطلق ۱۳۶۶: ج ۳، ۳۸۵). |
| گران‌مایه اسپان و زین پلنگ | نشاندۀ گهر در جُنای خدنگ |
| | (مسکو ۱۳۷۵: ج ۵، ۷۵). |
| گران‌مایه اسپان به زین خدنگ | نشاندۀ گهر در جُنای پلنگ |
| | (زول مول ۱۳۷۵: ج ۲، ۸۳۷). |
| گران‌مایه اسپان و زین خدنگ | نشاندۀ گهر در جُنای پلنگ |
| | (کزازی ۱۳۹۰: ج ۵، ۴۷). |
| گران‌مایه اسپان و زین خدنگ | نشاندۀ گهر در جُنای پلنگ |
| | (جوینی ۱۳۹۱: ج ۷، ۳۹۸). |

تصحیح دو بیت از شاهنامه جلال خالقی مطلق (علی سلیمانی و محمد فولادی) ۱۹۵

۸. در داستان کاموس کشانی:

- | | |
|--|--------------------------------|
| به زرین ستام و جُنای ^۷ پلنگ | به زرین درای و جرس‌ها و زنگ |
| (خالقی مطلق ۱۳۶۶: ج ۳، ۱۶۲). | |
| به زرین رکیب و جُناغ پلنگ | به زرین وسیمین جرس‌ها و زنگ |
| (مسکو ۱۳۷۵: ج ۴، ۱۷۴). | |
| به زرین رکیب و جُناغ پلنگ | به سیمین درای و جرس‌ها و زنگ |
| (ژول مول ۱۳۷۵: ج ۲، ۶۸۴). | |
| به زرین ستام و جُناغ پلنگ | به زرین وسیمین جرس‌ها و زنگ |
| (کزازی ۱۳۹۰: ج ۴، ۱۱۵). | |
| به زرین ستام و جُناغ پلنگ | به زین اندرون بُد جرس‌ها و زنگ |
| (جوینی ۱۳۹۱: ج ۶، ۳۳۲). | |

۹. در داستان رزم یازده رخ:

- | | |
|------------------------------|--|
| همه آلتِ زین بروبر نگون | رکیب و کمند و جُنای ^۸ پُر ز خون |
| (خالقی مطلق ۱۳۶۶: ج ۴: ۱۵۱). | |
| همه آلتِ زین بروبر نگون | رکیب و کمند و جُنای پُر ز خون |
| (مسکو ۱۳۷۵: ج ۵، ۲۲۲). | |
| همه آلتِ زین بروبر نگون | رکیب و کمند و عنان پُر ز خون |
| (ژول مول ۱۳۷۵: ج ۲، ۹۴۴). | |
| همه آلتِ زین بروبر نگون | رکیب و کمند و جُنای پُر ز خون |
| (کزازی ۱۳۹۰: ج ۵، ۱۵۱). | |
| همه آلتِ زین بدو بر نگون | رکیب و کمند و جُنای پُر ز خون |
| (جوینی ۱۳۹۱: ج ۷، ۷۶۱). | |

۳. تصحیح دو بیت از شاهنامه

چنانچه از ابیات تصحیح خالقی مطلق پیداست، در ابیات ۱، ۲، و ۳ واژه «جُناغ» در هر کدام از جلدهای ششم، هفتم، و هشتم یک مرتبه و به صورت ترکیب «زرین جُناغ» آمده است.

جلدهای دوم، سوم، و چهارم نیز به ترتیب دو، سه، و یک بار واژه «جُنا» را در خود گنجانده‌اند. از این شش بیتی که واژه «جُنا» در آن‌ها به کار رفته، تنها بیت ۹ بدون اضافه شدن به واژه دیگر و در میان مصراع به صورت «جُنا» آمده و در باقی ابیات، این واژه به صورت ترکیب اضافی است؛ یعنی در ابیات ۴، ۵، و ۶ به صورت «جُنایِ خدنگ» و در ابیات ۷ و ۸ به صورت «جُنایِ پلنگ» آمده است.

در پاورقی شاهنامه تصحیح خالقی مطلق برای واژه «جُناغ» در مصراع دوم بیت ۳، یعنی: «فروشته از باره زرین جُناغ»، نسخه بدلی نیامده و این صحیح بودن بیت و بدون تغییر باقی ماندن واژه بسیار ارزش مند و نمایانگر استفاده فردوسی از ترکیب «زرین جُناغ» در شاهنامه است. در همین تصحیح برای واژه «جُناغ» در بیت ۱، نسخه بدل «کناغ» و برای واژه «جُناغ» بیت ۲، نسخه بدل «چراغ» آمده است. خوش بختانه اندک بودن نسخه بدل در این دو بیت، بی تغییر و تحول ماندن مصراع دوم بیت ۳، و پذیرش ضبط «زرین جُناغ» در دیگر تصحیح‌ها باعث می‌شود تا براساس مشابهت فردوسی در آوردن ترکیب «زرین جُناغ»، ناهمخوانی معنایی «کناغ» و «چراغ» با معنای بیت و نیز پدید آمدن عیب تکرار قافیه در صورت قرارگرفتن نسخه بدل «چراغ» در پایان هر دو مصراع بیت ۲، چنین بگوییم که صورت صحیح نوشتاری این واژه در این سه بیت واژه «جُناغ» است و فردوسی ترکیب «زرین جُناغ» را به کار برده است. با پذیرش برتری این ضبط، شکی در درستی تصحیح این سه بیت از سوی خالقی مطلق و تصحیح‌های مسکو، ژول مول، و کزازی که بیت را به یک شکل آورده‌اند، باقی نمی‌ماند. لذا، این سه بیت (ابیات شماره ۱، ۲، و ۳) به درستی توسط مصححان تصحیح شده‌اند و از دایره بررسی این پژوهش خارج می‌شوند.

همچنین، از آن‌جاکه واژه «جُنا» در بیت ۹ بدون اضافه شدن به واژه دیگری آمده و جز تصحیح ژول مول در دیگر تصحیحات نیز واژه «جُنا» انتخاب شده و خالقی مطلق نیز با تکیه بر نسخه فلورانس همین واژه را برگزیده است، شکی در درستی واژه جُنا در این بیت وجود ندارد. هرچند ژول مول واژه «عنان» را بر «جُنا» ترجیح داده و آن را در متن خود آورده است، نباید از یاد برد که وی در انتخاب این واژه بر دست‌نویس کتاب‌خانه ملی پاریس تکیه کرده که در فهرست نسخ مورداستفاده جلال خالقی مطلق جزء دست‌نویس‌های غیراصلی است و با وجود نسخ معتبر دیگر، شایسته نیست این نسخه مورداستفاده و پذیرش قرار گیرد. به هر حال، با کنار نهادن ابیات ۱، ۲، ۳، و ۹، ابیات ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ باقی می‌مانند. در ادامه، به بررسی و تحلیل ابیات باقی‌مانده خواهیم پرداخت.

آن گونه که از تصحیح خالقی مطلق نمایان است، در پنج بیت باقی مانده، واژه «جُنا» به صورت ترکیب اضافی آمده است: در ابیات ۴، ۵، و ۶ به صورت «جُنايِ خدنگ» و در ابیات ۷ و ۸ به صورت «جُنايِ پلنگ». اکنون این پرسش مطرح است که آیا واژه «جُنا» از نظر معنایی این ظرفیت را دارد که هم با واژه «خدنگ» ترکیب شود و هم بتواند در کنار واژه «پلنگ» قرار گیرد و یا یکی پنداشتن واژه «جُنا» با واژه «جُناغ» سبب چنین هم‌نشینی و تصحیح شده است؟ برای یافتن پاسخ این پرسش، معنای برآمده از واژه «جُناغ» و «جُنا» را هم با «خدنگ» و هم با «پلنگ» مورد بررسی قرار می‌دهیم تا دریابیم هم‌نشینی معنایی کدام ترکیب صحیح‌تر است.

معانی دو واژه «جُناغ» و «جُنا» نشان می‌دهد که فردوسی هرگاه از پوشش اسب سخن به میان آورده، «جُناغ» را به کار برده است. طبیعی است که پوشش روی اسب بایستی قابلیت انعطاف داشته باشد تا تمام پیکر اسب را بپوشاند. لذا، می‌توانیم این نکته را بپذیریم که «جُناغِ پلنگ»، در معنای پوششی از جنس پوست پلنگ، ترکیبی صحیح است. در اشعار دیگر شاعران ادب فارسی نیز می‌توان این ارتباط پلنگ و جُناغ را ملاحظه کرد، چنان که قطران تبریزی می‌گوید:

زان که گه‌گه باشد از چرم پلنگ او را جُناغ از همه ددها تکبر بیش‌تر دارد پلنگ

(قطران تبریزی ۱۳۶۲: ۱۹۸).

امیر معزی نیز در دیوان خود رابطه بین چرم پلنگ و جُناغ را چنین یادآوری کرده است:

پلنگ کبر کند ماه و سال بر دد و دام از آن قبل که جُناغت بود ز چرم پلنگ

(معزی ۱۳۱۸: ۴۳۴).

در مقابل، از آن‌جا که خدنگ نام درختی است بسیار سخت که در گذشته از چوب آن بیش‌تر تیر و زین می‌ساختند و فردوسی نیز در شاهنامه از جنبه سختی و استحکام بدین چوب نگریده و از ترکیباتی چون «تیرِ خدنگ» (خالقی مطلق ۱۳۶۶: ج ۵، ۳۸۶) و «زینِ خدنگ» (همان: ج ۳، ۳۳۷) استفاده کرده است، نمی‌توان برای اسب پوششی از چوب خدنگ تصور کرد و بعید است که فردوسی واژه «خدنگ» را با «جُناغ» ترکیب کرده باشد. از این رو، این سخن که «جُناغِ خدنگ» پوششی از چوب خدنگ [است] که روی زین می‌کشیدند» (رواقی ۱۳۹۰: ذیل مدخل) خالی از اشکال نیست، چراکه اولاً جُناغ به معنای پوشش پیکر اسب است نه زین، درثانی پوششی از چوب خدنگ نداریم. به نظر می‌رسد

علت این‌گونه برداشت علی‌رواقی ایراد موجود در نسخه‌مورد استفاده ایشان و جُنَاغ را در معنای غاشیه زین دانستن است. با این مقدمات، می‌توان دید که معنای حاصل از ترکیب «جُنَاغ پلنگ» صحیح است، اما معنای برآمده از ترکیب «جُنَاغ خدنگ» پذیرفتنی نیست. در مقاله «نگاهی معنایی بر دو واژه جُنَاغ و جُنَا در شاهنامه» ثابت شده که «جُنَا» همان لبه قوسی شکل قسمت جلویی زین است. با ترکیب واژه «جُنَا» و «پلنگ» این معنا به دست می‌آید که این منحنی کمانی شکل پیش زین از جنس چرم پلنگ است. با همین تفکر است که خالقی مطلق در یادداشت‌های شاهنامه و در توضیح بیت ۴ می‌نویسد:

دست‌نویس‌ها در این‌جا و جاهای دیگر خدنگ و پلنگ را هم برای زین گرفته‌اند و هم برای جُنَا (جُنَاغ). محتمل است که خدنگ که نوعی چوب است، مربوط به زین، و پلنگ که پوست پلنگ است، مربوط به جُنَا (جُنَاغ) باشد که آن را دامنه زین معنی کرده‌اند. در این صورت باید متن ما، به زین خدنگ و جُنای پلنگ درست گردد (خالقی مطلق ۱۳۸۹: بخش یکم، ۶۵۹).

در ابتدا، باید گفت که طبق معنای برآمده از جُنَا، دامنه زین دانستن آن صحیح به نظر نمی‌رسد، درثانی، به چه علت باید طاق و کمان پیش زین از جنس چرم پلنگ باشد؟ از طرفی، با ترکیب «جُنای خدنگ» در بیت ۶ که هم واژه «جُنَا» از روی اقدم نسخ شاهنامه، یعنی نسخه فلورانس، انتخاب شده است و هم واژه «خدنگ» هیچ نسخه‌بدلی ندارد، چه می‌توان کرد؟ با در ذهن داشتن این پرسش‌ها، واژه «جُنَا» را با «خدنگ» ترکیب می‌کنیم. با ترکیب این دو واژه به خوبی می‌توان دید که هم‌نشینی «جُنَا» با واژه «خدنگ» بسیار محتمل‌تر و قابل قبول‌تر از هم‌نشینی آن با واژه «پلنگ» است. جُنایی که از چوب سخت خدنگ ساخته شده است، مانع تغییر شکل زین می‌شود و هم‌چون قالبی شکل زین را حفظ می‌کند. در واقع، گویا هدف بودن این چوب خدنگ، بدون تغییر و تحول باقی ماندن فرم و شکل زین ساخته شده از چرم است. هم‌چنین، با توجه به بافت موقعیتی ابیاتی از شاهنامه که از این نوع زین سخن به میان آمده است، می‌توان به ارزش مندی این نوع زین پی بُرد، چراکه تنها بزرگان لشکری و کشوری از این نوع زین پلنگ جُنای خدنگ‌دار استفاده می‌کرده‌اند. نکته بسیار مهم دیگر این است که اگر نسخه‌بدل‌های ابیاتی از شاهنامه را، که در آن‌ها واژه «جُنَا» آمده است، بررسی کنیم، خواهیم دید که خالقی مطلق در سه بیت ۴، ۵، و ۶ که «جُنای خدنگ» آمده، متن خود را براساس نسخه فلورانس انتخاب کرده است؛ یعنی «متن = ف»، اما در ابیات ۷ و ۸ اساس بودن نسخه فلورانس را کنار نهاده و متن را براساس

دست‌نویس غیراصلی خود، یعنی دست‌نویس کتاب‌خانه بریتانیا در لندن (با علامت اختصاری ل^۳)، تصحیح کرده است و همین باعث شده تا سه بیت ۴، ۵، و ۶ به‌درستی تصحیح شوند، اما در دو بیت ۷ و ۸ تصحیح هم‌چنان اشکال داشته باشد. به‌نظر می‌رسد یکی پنداشتن این واژه با «جُناغ» که تنها ظرفیت ترکیب با «پلنگ» را دارد، باعث چنین اشتباهی در تصحیح این دو بیت و به‌وجود آمدن ترکیب «جُناغ پلنگ» شده است. ضمن این‌که مطلبی که خالقی مطلق در یادداشت‌های شاهنامه در باب بیت ۴ بیان کرده، نادرست است و درستی تصحیح برخی از ابیات را برهم می‌زند. لذا، با این مقدمات می‌توان گفت که «جُنا» تنها ظرفیت هم‌نشینی شدن با «خدنگ» را دارد و «جُناغ» نیز فقط با «پلنگ» می‌تواند ترکیب شود و خالقی مطلق گرچه ابیات ۴، ۵، و ۶ را به‌درستی تصحیح کرده، در تصحیح دو بیت زیر از شاهنامه به طریق صواب نرفته است:

گران‌مایه اسپان به زینِ خدنگ نشانده گُهر در جُناغِ پلنگ

(خالقی مطلق ۱۳۶۶: ج ۳، ۳۸۵).

به زرین‌ستام و جُناغِ پلنگ به زرین‌درای و جرس‌ها و زنگ

(همان: ۱۶۲).

برای تصحیح دقیق «جُناغ پلنگ» در این دو بیت، می‌توان دو شیوه در پیش گرفت. به‌علت ظرفیت هم‌نشینی واژه «جُنا» با واژه «خدنگ»، یا باید واژه «پلنگ» را به واژه «خدنگ» تغییر داد یا به‌علت این‌که واژه «پلنگ» قابلیت هم‌نشینی با واژه «جُناغ» را دارد، واژه «جُناغ» را جای‌گزین «جُنا» کرد. به‌عبارت ساده‌تر، در این دو بیت یا باید «جُناغِ خدنگ» آورد و یا «جُناغِ پلنگ»، منتهی، نگارندگان در تصحیح این دو بیت نه‌تنها معنای واژگان و ظرفیت ترکیب آن‌ها را مدنظر خواهند داشت، بلکه به ضبط اقدم نسخ شاهنامه یعنی نسخه فلورانس نیز تکیه خواهند کرد.

گفتیم که خالقی مطلق در تصحیح ابیات ۷ و ۸ شاهنامه از نسخه فلورانس استفاده نکرده است. اگر ما به دست‌نویس‌های ذکرشده برای واژه «پلنگ» در بیت ۷ نگاه کنیم، خواهیم دید که این واژه براساس نسخه فلورانس و دیگر دست‌نویس‌ها انتخاب شده است؛ یعنی: متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، پ، و، لن^۲، ب). از طرفی، در مصراع نخست همین بیت و در انتخاب واژه «خدنگ» نیز همین نسخه فلورانس ملاک قرار گرفته و متن براساس نسخه‌های ف، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، پ، و، لن^۲، ب) آمده است. از آن‌جاکه دو واژه

«خدنگ» و «پلنگ» در بیت ۷، براساس نسخه اقدم فلورانس و دیگر دست‌نویس‌ها ضبط شده‌اند، شکی در صحیح بودن آن‌ها نیست.

هم‌چنین، نسخه‌بدل‌های شاهنامه خالقی مطلق برای واژه «جنا» در بیت ۷ نشان می‌دهد: ف: جُنَاح؛ ل (نیز ق): حنای؛ س: جُنَاع؛ ل^۲، س^۲، (نیز لی): جُنَاح؛ ل: حناق؛ و: جُنَاع؛ ل^۲: جُنَاق؛ ب: جُنَاع؛ متن = ل^۳ که در نسخه فلورانس، واژه «جُنَاع» به صورت «جُنَاح» ضبط شده است و شکی نیست که این ضبط ناشی از تصرف کاتبان و گذر زمان است و واژه «جُنَاح» صورت تحریف‌شده واژه «جُنَاع» است، چراکه اولاً، واژه «جُنَاح» اسمی عربی است و طبیعتاً از میزان علاقه فردوسی برای استفاده از آن کاسته می‌گردد. درثانی، در شاهنامه فردوسی این واژه طبق جست‌وجوی نگارندگان تنها چهار بار و به صورت «جُنَاح سپاه» دیده می‌شود و در تمامی این موارد به قرینه «قلب، چپ، و راست» آمده است که می‌توان دریافت مراد فردوسی بیان آرایش سپاه است: «بیاراست قلب و جُنَاح سپاه» (خالقی مطلق ۱۳۶۶: ج ۴، ۱۸۹)، «چپ و راست و قلب و جُنَاح سپاه» (همان: ج ۱، ۱۴۱؛ ج ۴، ۲۰۹؛ ج ۸، ۱۳۱). ثالثاً، نمی‌توان ربطی بین واژه «جُنَاح» و واژه‌های «خدنگ» و «پلنگ» یافت. از این رو، ترکیب «جُنَاح خدنگ» و «جُنَاح پلنگ»، که در بیت ۸ تصحیح ژول مول و بیت ۷ تصحیح جوینی دیده می‌شود، صحیح نیست. به دلیل همین ناهم‌گونی معنایی است که صاحب فرهنگ آندراج در توضیح ترکیب «جُنَاح زین» با تردید بدان نگریسته و بیان کرده است: «ظاهراً تحریف است و صحیح جُنَاع زین است» (ویجی نگری ۱۳۳۵: ذیل مدخل «جُنَاح زین»). هم‌چنین، این سخن پرویز اتابکی که جُنَاح گونه‌ای از جُنَای است نیز نمی‌تواند صحیح باشد (اتابکی ۱۳۷۹: ذیل مدخل «جُنَاح»؛ پس با دریافت ضبط صحیح «پلنگ» و این نکته که «پلنگ» تنها می‌تواند با «جُنَاع» ترکیب شود و این‌که خالقی مطلق در تصحیح واژه «جنا» از نسخه فلورانس استفاده نکرده است، بایستی بیت:

گران‌مایه اسپان به زین خدنگ نشانده گهر در جُنَای پلنگ

را به صورت زیر اصلاح کرد:

گران‌مایه اسپان به زین خدنگ نشانده گهر در جُنَاع پلنگ

در گرشاسپ‌نامه اسدی طوسی بیتی هست که از نظر آوردن ترکیب «جُنَاع پلنگ» و نشاندن گوهر و آراستن آن مانند این بیت از شاهنامه فردوسی است:

تصحیح دو بیت از شاهنامه جلال خالقی مطلق (علی سلیمانی و محمد فولادی) ۲۰۱

هزار و صد و سی جُنَاغِ پلنگ ز هر گوهر آراسته رنگ رنگ

(اسدی طوسی ۱۳۸۶: ۳۶۴).

با تصحیح این بیت از خالقی مطلق، مشخص می‌شود که ژول مول و کزازی بیت ۷ را به درستی تصحیح کرده‌اند، اما عزیزالله جوینی و مسکو به ترتیب با آوردن «جنای پلنگ» و «جناغ خدنگ» به بی‌راهه رفته‌اند.

دیگر بیت نیازمند تصحیح بیت ۸ است. در این بیت نیز خالقی مطلق واژه «پلنگ» را براساس بسیاری از دست‌نویس‌های اصلی خود تصحیح کرده و در پاورقی اشاره کرده که در نسخ غیراصلی ق^۲، ل^۳، آ واژه «خدنگ» آمده است. پس شکی در درستی واژه «پلنگ» نیست و با در نظر داشتن قابلیت ترکیب واژه «پلنگ» با واژه «جُنَاغ» نه «جُنَا» و این‌که خالقی مطلق بدون توجه به اقدم نسخ خود و با ملاک قرار دادن نسخه غیراصلی «ل^۳» آن را برگزیده و در متن وارد کرده است، این بیت را نیز باید به صورت «جُنَاغِ پلنگ» تصحیح کرد؛ یعنی بیت:

به زرین ستام و جُنای پلنگ به زرین درای و جرس‌ها و زنگ

بایستی به صورت زیر آورده شود:

به زرین ستام و جُنَاغِ پلنگ به زرین درای و جرس‌ها و زنگ

در تصحیح‌های مسکو، میرجلال‌الدین کزازی، و عزیزالله جوینی نیز به درستی ترکیب «جناغ پلنگ» انتخاب شده و تنها در تصحیح ژول مول است که ترکیب نادرست «جُنَاغِ پلنگ» برگزیده شده است.

در پایان، به فراخور تمامی مطالبی که در این پژوهش بیان شد، به تصحیح بیتی از برزونامه شمس‌الدین محمد کوسج می‌پردازیم که دو واژه «جُنَاغ» و «جُنَا» در آن آمده است و محل اختلاف نیز است. اکبر نحوی در تصحیح خود بیت زیر را چنین آورده است:

ز زین و لگام و جُنَاغِ خدنگ رکابِ مرصع، جُنَاقِ پلنگ

(کوسج ۱۳۸۷: ۲۳).

خوش‌بختانه چون در تصحیح برزونامه، برای واژگان «خدنگ» و «پلنگ» هیچ نسخه‌بدلی ذکر نشده و فقط در مصراع نخست برای واژه «جُنَاغ»، نسخه‌بدل «جُنای» آمده است، با توجه به مطالب گفته شده، می‌توان دریافت که «جُنَاغِ خدنگ» در مصراع نخست،

بایستی به صورت «جُنایِ خدنگ» تصحیح شود و آنچه مصحح محترم در پاورقی به عنوان نسخه بدل آورده، صحیح است. هم‌چنین در مصراع دوم نیز واژه «جُنای» دارای نسخه بدل «دراز و جُنای» است. با توجه به نسخه بدل نداشتن واژه «پلنگ» در مصراع دوم، ظرفیت هم‌نشینی و ترکیب این واژه و این که کلمه «جُنای» واژه‌ای ترکیبی است که به علت گذر زمان و شباهت لفظی با واژه فارسی «جُنای» یکسان پنداشته شده است، مصراع دوم نیز باید تصحیح شود. پس بهتر است این بیت برزونه نیز به صورت زیر اصلاح شود:

ز زین و لگام و جُنایِ خدنگ رکابِ دراز و جُنایِ پلنگ

۴. نتیجه‌گیری

بررسی معنایی دو واژه جُنای و جُنایِ خدنگ نشان می‌دهد که برخلاف نظر رایج، واژه جُنای ریخت کوتاه شده واژه جُنای نیست و واژه‌هایی با دو معنای متفاوت اند. یکسان پنداشتن جُنای و جُنای در کنار نسخه بدل‌های فراوان این دو واژه سبب اشتباه مصححان شده است و تصحیح ابیاتی از شاهنامه بدون در نظر داشتن معنای متفاوت این دو واژه و ظرفیت هم‌نشینی آن‌ها انجام شده است. این مشکل در تصحیح جلال خالقی مطلق نیز دیده می‌شود. هرچند این اثر تصحیح علمی و انتقادی خوبی از ابیات جُنای و جُنایِ خدنگ دار شاهنامه فردوسی است، یکسان پنداشتن این دو واژه باعث شده است تا مصحح نیز گاه آن‌ها را با واژه «پلنگ» و گاه با «خدنگ» ترکیب کند. حال آن‌که معنای متفاوت این واژگان و ظرفیت هم‌نشینی و ترکیب این دو واژه نشان می‌دهد که واژه «جُنای» تنها می‌تواند با واژه «پلنگ» ترکیب شود و واژه «جُنای» با واژه «خدنگ». با توجه به این موارد و این که مصحح در تصحیح دو بیت از این ابیات از نسخه اساس و اقدم خود، یعنی فلورانس، پیروی نکرده و همین موجب تصحیح نادرست دو بیت از شاهنامه شده است، در این پژوهش این دو بیت مورد نقد و بررسی قرار گرفت و «جُنایِ پلنگ» در این دو بیت به «جُنایِ پلنگ» تغییر داده شد تا ضبط یکسانی در تمامی ابیات شاهنامه وجود داشته باشد. پس از تصحیح این دو بیت می‌توان گفت که واژه «جُنای» پنج مرتبه در شاهنامه فردوسی استفاده شده که سه بار به صورت «زین جُنای» و دو بار به صورت «جُنایِ پلنگ» آمده است. واژه «جُنای» نیز که خود واژه‌ای دیگر با معنایی متفاوت است، چهار مرتبه در شاهنامه فردوسی استفاده شده که یک بار به صورت مفرد و بدون اضافه شدن و سه بار به صورت «جُنایِ خدنگ» آمده است. دریافتن تفاوت معنایی دو واژه «جُنای» و «جُنای»، علاوه بر این که به تصحیح دو بیت از شاهنامه فردوسی منجر شد و

تصحیح دو بیت از شاهنامه جلال خالقی مطلق (علی سلیمانی و محمد فولادی) ۲۰۳

دیگر تصحیح‌های شاهنامه هم‌چون مسکو، زول مول، نامه باستان، و شاهنامه عزیزالله جوینی را در معرض نقد و بررسی قرار داد، اشکال در تصحیح بی‌تی از برزونه شمس‌الدین محمد کوسج را نیز حل کرد که در این پژوهش بدان اشاره شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ب: کناغ.
۲. لی: چراغ.
۳. ل، و: حنای خدنگ؛ لن، پ: جناح خدنگ؛ ل^۱: حناخ خدنگ؛ ب: جناغ خدنگ؛ لن^۲: جناغ پلنگ؛ ق، ق^۱، لی، آ (نیز س^۲): چه زرین ستام و چه عناب رنگ؛ ق: حبات رنگ؛ لی، آ: زرین پلنگ؛ متن = ف (نیز ل^۳)؛ س این بیت را ندارد.
۴. ل: حناخ؛ س: حناغ؛ لن، لی، پ، آ، (نیز لن^۲): جناح؛ ق: جناغ؛ ق^۱، و: حنای؛ ب: جناغ؛ متن = ف (نیز ل^۳، س^۲).
۵. ل: حناخ؛ س (نیز پ): حناغ؛ ق (نیز لن): جناغ؛ ل^۲، س^۲، (نیز لن^۲): جناح؛ (لی، آ: کیانی - ب: جناغ)؛ متن = ف (نیز ق^۱، ل^۳).
۶. ف: جناح؛ ل (نیز ق^۱): حنای؛ س: جناغ؛ ل^۲، س^۲، (نیز لی): جناح؛ (لن: حناق؛ و: جناغ؛ لن^۲: حناق؛ ب: جناغ)؛ متن = ل^۳.
۷. ف، ق (نیز لن^۲): جناغ؛ ل: حناغ؛ س: حناق؛ ل^۲ (نیز لن، پ، و، ب): جناغ؛ س^۲ (نیز لی، آ): جناح؛ ق^۱: حنای؛ متن = ل^۳.
۸. ل، ق، ل^۲ (نیز و، آ): حنا پُر زخون؛ س: حناقش بخون؛ ق^۲: جنایش بخون؛ لی: برش پر ز خون؛ پ: عنان پر زخون؛ ب: جناغش بخون؛ لن: برو سینه‌اش پر زخون؛ لن^۲: کمندش همه پر ز خون؛ متن = ف، س^۲ (نیز ل^۳ ← ل).

کتاب‌نامه

- اتابکی، پرویز (۱۳۷۹)، *واژه‌نامه شاهنامه*، تهران: فرزانه روز.
- اسدی طوسی، ابونصر (۱۳۸۶)، *گرشاسب‌نامه*، تصحیح حبیب یغمایی، تجدید چاپ به کوشش علی اصغر عبداللهی، تهران: دنیای کتاب.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۹)، *یادداشت‌های شاهنامه*، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- رواقی، علی (۱۳۹۰)، *فرهنگ شاهنامه*، تهران: فرهنگ معاصر.

- سلیمانی، علی و محمد فولادی (۱۳۹۷)، «نگاهی معنایی بر دو واژه جُنَاغ و جُنَا در شاهنامه»، مجله متن‌پژوهی ادبی، ش ۷۸.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۶)، شاهنامه، به‌کوشش جلال خالقی مطلق و همکاران، نیویورک و کالیفرنیا: بنیاد میراث ایران.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۵)، شاهنامه فردوسی؛ براساس شاهنامه ژول مول، به‌کوشش پرویز اتابکی، تهران: علمی و فرهنگی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۵)، شاهنامه؛ براساس چاپ مسکو، به‌کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۱)، شاهنامه، به‌کوشش عزیزالله جوینی، تهران: دانشگاه تهران.
- قطران تبریزی (۱۳۶۲)، دیوان قطران تبریزی، به‌اهتمام محمد نخجوانی، تهران: ققنوس.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۹۰)، نامه باستان، تهران: سمت.
- کوسج، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۷)، برزنامه (بخش کهن)، تصحیح اکبر نحوی، تهران: میراث مکتوب.
- معزی، ابو عبدالله محمد (۱۳۱۸)، دیوان معزی، به‌اهتمام عباس اقبال، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- ویجی‌نگری، محمد (۱۳۳۵)، آندراج، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام.